



<https://liar.ui.ac.ir/?lang=en>

Literary Arts

E-ISSN: 2322-3448

Document Type: Research Paper

Vol. 16, Issue 3, No.48, Autumn 2024, pp. 67-82

Received: 15/06/2024

Accepted: 20/08/2024

Joveyni's Portrayal of the Violence and Killing of the Mongols in *the History of Jahangosha*

Ali Askari  *

Assistant Professor of Persian Language and Literature, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Payam Noor University, Tehran, Iran
askari5017@pnu.ac.ir

Abstract

The major part of *the History of Jahangosha* is about the Mongols and their wars, conquests, destructions, killings, and looting in Iran, which was written by Joveyni in beautiful technical prose. Joveyni was not just a narrator, but with the power of his pen, he depicted events and scenes for the reader like a powerful painter. In this study, based on library research and using a descriptive-analytical method, Joveyni's depiction of the violence and killing of Mongols in *the History of Jahangosha* has been investigated. The purpose of the study is to show the artistic methods of Joveyni in depicting and accurately and effectively conveying the crimes of bloodthirsty Mongols. The findings of the research show that Joveyni presented accurate descriptions and images of the characteristics of the Mongol army, murders, looting, and destruction caused by the devastating attacks of the Mongols with the appropriate and accurate use of imagery, simile, irony, and metaphor, respectively. The images of *the History of Jahangosha* are generally alive and dynamic. The harmony of images and fantasy elements with the theme and content of the work is well respected. The use of specific and related words is another technique used to depict the violence of the Mongols.

Keywords: Joveyni, *the History of Jahangosha*, Imaging, Violence, Killing.

Introduction

The History of Jahangosha is one of the outstanding works written in literary and technical prose. A significant part of the volumes of the trilogy of *the History of Jahangosha*, especially the first volume, is the narrative of the devastating attacks of the Mongols on the great land of Iran in the early 7th century AH, which was accurately, elegantly, and artistically depicted by the talented pen of Joveyni. In these attacks, the Mongols did not refrain from destroying and burning cities, mass killings, looting property, ripping open stomachs, mutilating, torturing, and cowardice. There is no similar event in the history of Iran. This study aims to show the artistic methods of Joveyni in depicting and accurately and effectively conveying the crimes of bloodthirsty Mongols in the three volumes of *the History of Jahangosha*. Therefore, the main question of the research is:

*Corresponding author

Askari, A. (2024). Jovini's portrayal of the violence and killing of the Mongols in the history of Jahangasha. *Literary Arts*, 16 (3), 67-82.



2322-3448 © University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC-ND/4.0/ License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).



10.22108/liar.2024.141852.2386

How did Joveyni depict the scenes of violence and crime of the Mongols?

Materials and Methods

In this study, by referring to all three volumes of *the History of Jahangosha*, based on library research and the descriptive-analytical method, Joveyni's descriptions and depictions of the Mongol armies and their violence and massacres have been examined. In this method, the necessary data were first collected by reading the book and extracting the target material. Then, the data were categorized and analyzed.

Research Findings

The images of the violence and killing of the Mongols presented by Joveyni are divided into three main categories:

1) Descriptions and images related to the characteristics of the Mongol armies, including terrible shouts, speed of action, abundance and multitude, sinister and destructiveness, fierceness, strength and courage, invincibility, and ruthlessness.

2) Descriptions and images related to the attacks of the Mongols, including description and image of the enemy's siege, image and description of throwing stones, arrows, and oil bottles at the enemy, and description and image of the methods of attack and destructive invasion of the Mongols.

3) Descriptions and images of destruction, murders, and looting are presented mainly using similes, metaphors, and irony.

In using imaginary images to depict the violence and killing of the Mongols, Joveyni used similes the most. After simile, Joveyni used irony, especially current irony, followed by metaphor. He has also used innovative figures of speech such as exaggeration, illusion, proportion, contrast, etc. for illustration.

Discussion of Results and Conclusion

By using appropriate and beautiful similes and metaphors and various ironic interpretations, as well as choosing the right words, Joveyni was able to describe and depict accurately the characteristics of the Mongol armies, their lightning, and devastating attacks. Descriptions and images that are painful and at the same time clear and provide a detailed account of the destructions, murders, and lootings of the Mongols. He used various figures of speech such as simile, metaphor, irony, contrasts and proportions, allusions, etc.

In addition, the use of original verbal figures of speech such as allusions and puns, the creation of rhythm, and adding appropriate attributes to words are Joveyni's rhetorical tricks that depict the images of bloodthirsty Mongol armies and their devastating attacks along with their murders, looting, and crimes. It has been beautifully and elegantly depicted as a painting in front of the reader. The depiction of elements such as sun, stars, lightning, the four elements of matter (earth, water, air, and fire), flood, wind, rain, storm, sea, etc. are also prevalent in the book. In addition, animals such as lions, wolves, snakes, hawks, eagles, and whales, and even supernatural elements such as doom, bad fate, angels of death, etc, played a prominent role in the illustrations.

تصویرپردازی جویی از خشونت و کشتار مغولان در تاریخ جهانگشا

علی عسکری*، استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

askari5017@pnu.ac.ir

چکیده

بخش عمده تاریخ جهانگشا درباره مغولان و جنگ‌ها و فتوحات و ویرانی‌ها و قتل و غارت‌های آنان در ایران است که توسط جویی و بیشتر به نثر زیبای فنی نگاشته شده است. جویی فقط روایتگر صرف نبود، بلکه با قدرت قلم خود حوادث و صحنه‌ها را همچون نگارگری توانا برای خواننده به تصویر کشیده است. در این مقاله براساس پژوهش کتابخانه‌ای و با روش توصیفی تحلیلی، تصویرپردازی جویی از خشونت و کشتار مغولان در تاریخ جهانگشا بررسی شده است. هدف مقاله نشان دادن شیوه‌های هنری جویی در به تصویر کشیدن و انتقال دقیق و مؤثر جنایات خونخواران مغول است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد جویی توصیفات و تصویرهای دقیقی از ویژگی‌های لشکر مغول، قتل‌ها و غارت‌ها و ویرانی‌های ناشی از حملات ویرانگر مغولان با استفاده مناسب و دقیق از صورخیال به‌ویژه تشبیه و کنایه و استعاره ارائه داده است. در صورخیال تاریخ جهانگشا، غلبه با تشبیه است سپس کنایه و بعد استعاره. تصویرهای تاریخ جهانگشا عموماً زنده و پویاست. هماهنگی تصاویر و عناصر خیال با موضوع و محتوای اثر هم به خوبی رعایت شده است. استفاده از واژگان خاص و مرتبط نیز یکی دیگر از شگردهای جویی برای تصویرسازی مناسب از خشونت و کشتار مغولان است.

کلید واژه‌ها: جویی، تاریخ جهانگشا، تصویرپردازی، خشونت، کشتار.

۱- مقدمه

بخش درخور توجهی از مجلدات سه‌گانه تاریخ جهانگشا به‌ویژه جلد اول آن روایت حملات ویرانگر مغولان وحشی به سرزمین بزرگ ایران در اوایل قرن هفتم هجری است. در آن دوران تیره و وحشتناک کشور عزیزمان سال‌ها در معرض قتل و غارت و ویرانی و سوزاندن و با خاک یکسان کردن شهرها و اسارت مردان و زنان قرار گرفت. تصویری که جویی از کشتار و ویرانگری و غارت مغولان در ایران ارائه می‌کند، «از خون جیحون راندن» (۱/۶۱/۱)؛ «از تر و خشک اثر نگذاشتن»

* مسؤل مکاتبات

عسکری، علی. (۱۴۰۳). تصویرپردازی جویی از خشونت و کشتار مغولان در تاریخ جهانگشا. فنون ادبی، ۱۶(۳)، ۶۶-۸۲.



(۱/۱۰۴/۱)؛ «اکناف چون کف دست گردانیدن» (۱/۱۱۹/۱)؛ « باره را با ره برابرکردن» (۵/۹۴/۱) و «اموال و اولاد به غنیمت گرفتن» (۶/۹۰/۱) است.

ایرانیان در این دوره پرمحنت وحشت‌زا به اندازه تمام تاریخ گذشته و آینده خود رنج کشیدند. مغولان بسیاری از شهرهای کوچک و بزرگ را قتل عام و ویران کردند و بعضی را چندبار قتل عام کردند. فقط برخی نواحی مثل فارس و آسیای صغیر و غور و غرjestان که قبول ایلی کرده بودند از بلای حملات آنان درامان مانده بودند. مغولان در این حملات از کشتار جمعی و غارت اموال و دریدن شکم و مثله کردن و شکنجه دادن و بی‌عصمتی و نامردی کردن و ویران کردن و گاه تسطیح کردن شهرها به‌هیچ‌وجه خودداری نمی‌کردند و بی‌تردید این واقعه فجیع‌ترین وقایعی بود که تا آن هنگام در تاریخ ایران رخ داد و بعد از آن هم هیچ‌گاه نظیری نیافت (صفا، ۱۳۶۸، ص. ۱۱-۱۲). در برخی شهرها حتی به حیوانات هم رحم نکردند: «فرمان شده بود تا شهر (نیشابور) را از خرابی چنان کنند که در آنجا زراعت توان کرد و تا سنگ و گربه آن را به قصاص (تغاجار) زنده نگذارند» (جوینی، ۱۳۷۰، ج. ۱۴۰/۱). جوینی در کیفیت ویرانی و کشتار مرو می‌گوید:

بیرون چهارصد محترفه که تعیین کردند و از میان مردان گزین و بعضی کودکان از دختران و پسران که به اسیری برانند، تمامت خلق را با زنان و فرزندان ایشان بکشتند و بر هیچ‌کس از زن و مرد ابقا نکردند. نفری را از لشکری سیصد چهارصد نفس رسیده بود که بکشتند ... باره را خراب و حصار را مساوی تراب ... از نهب اموال و اسر و اغتیال فارغ شدند ... شمار کشتگان شهر آنچه ظاهر بودست هزارهزار و سیصد هزار و کسری در احصا آمده (جوینی، ۱۳۷۰، ج. ۱۲۶/۱-۱۲۸).

نمونه وحشتناک دیگر، وحشی‌گری‌ها و ویرانی‌ها و قتل و غارت‌های قوم خون‌خوار مغول در خوارزم است:

«لشکر به قواریر نطف، دور و محلات ایشان می‌سوختند و به تیر و منجنیق خلاق را به یکدیگر می‌دوختند ... از بیرون نیز آوزار جنگ هایچ‌تر شد و بحر حرب هایچ‌تر و نکباء فتنه بر زمین و زمانه انگیخته‌تر شد. محله به محله و سرای به سرای می‌گرفتند و می‌کند و تمام خلق را می‌کشت تا تمامت شهر مسلم شد. خلاق را به صحرا راندند آنچه ارباب حرفت و صناعت بودند زیادت از صد هزار را جدا کردند و آنچه کودکان و زنان جوان بود برده کرد و به اسیری برد و باقی مردان را بر لشکر قسمت کردند. هریک مرد قتال را بیست و چهار نفس مقتول رسید ... و لشکر به نهب و تاراج مشغول شدند و بقایای بیوت و محلات را ویران کرد. خوارزم که مرکز رجال رزم و مجمع نساء بزم بود، ایام سر بر آستانه آن نهاده و همای دولت آن را آشیانه ساخته، مأوای ابن آوی گشت و نشیمن بوم و زغن شد، دور از خوشی دور شد و قصور بر خرابی مقصور گشت ...» (جوینی، ۱۳۷۰، ج. ۱۰۰/۱-۱۰۱).

اینها نمونه‌ای از وحشی‌گری‌ها و جنایات و قتل و غارت‌های مغولان در ایران است که با قلم توانای جوینی همراه با زیبایی و ظرافت و احساس نگارش یافت و در این مقاله به جنبه‌های هنری کار جوینی در ثبت و ضبط و ماندگاری این وقایع پرداخته می‌شود.

۱-۱ پرسش پژوهش: پرسش اصلی پژوهش این است که جوینی چگونه صحنه‌های خشونت و جنایت مغولان را به تصویر کشیده است.

۱-۲ هدف پژوهش: هدف ما در این مقاله نشان‌دادن شیوه‌های هنری جوینی در به تصویر کشیدن و انتقال دقیق و موثر جنایات خونخواران مغول است.

۱-۳ روش پژوهش: در این مقاله با مراجعه به هر سه جلد تاریخ جهانگشای جوینی به تصحیح علامه قزوینی، براساس پژوهش کتابخانه‌ای و با روش توصیفی تحلیلی، توصیفات و تصویرپردازی‌های جوینی از لشکریان مغول و خشونت و کشتار آنان بررسی شده است.

۱-۴ سابقه پژوهش: در زمینه تاریخ جهانگشای جوینی پژوهش‌های متعددی در قالب کتاب و مقاله صورت گرفته است. برخی مقالات مرتبط با موضوع کار ما عبارتند از: «کارکرد صورخیال در تثبیت اقتدار سیاسی و دینی دولت‌ها در

جهانگشای جویینی» از پوران بودات و همکاران (۱۴۰۱)، هدف نویسندگان این مقاله نشان‌دادن نقش صورخیال تاریخ جهانگشا در ابزار تولید گفتمان قدرت و سازمان‌دهندگی افکار خاص سیاسی بوده است؛ مقاله «بررسی و تحلیل تشبیهات و استعارات تاریخ جهانگشای جویینی» از فریدون طهماسبی و پگاه تلاوری (۱۳۹۱)، هدف نویسندگان استخراج تشبیهات و استعارات در جلد نخست جهانگشا و دسته‌بندی آنها از نظر اختلاف مشابه و وجه شبه بوده است؛ در بخشی از مقاله «تبیین گفتمان متناقض جویینی مبتنی بر رد و قبول مغول در جلد اول تاریخ جهانگشا» از طاهره چهری و همکاران (۱۳۹۹) نیز به نقش صورخیال در تبیین گفتمان مداری اثر پرداخته شده است؛ در مقاله «مغول ستیزی عظاملک جویینی در تاریخ جهانگشا» از احمد خاتمی و آرزو عرب أف (۱۳۸۹) موارد و شیوه‌های مغول‌ستیزی جویینی ارائه شده است.

نکته‌ای که پیش از ورود به بحث لازم به تذکر است، اختلاف نظر استادان بلاغت در تعاریف و مصادیق برخی مباحث بلاغی به‌ویژه استعاره و مجاز و کنایه است؛ مانند خلط‌شدن میان استعاره تمثیلیه و استعاره مرکب و کنایه فعلی در بسیاری از کتب بلاغی (ر.ک. رخشنده‌مند، ۱۳۹۰، ص. ۱۳۵) یا اختلاف در مباحث استعاره مکنیه، تشخیص، استعاره تخیلیه، اسناد مجازی و استعاره تبعیه (ر.ک. کاردگر، ۱۳۹۹، ص. ۱۴۳). حتی در برخی کتاب‌ها تشبیه بلیغ را استعاره دانسته‌اند (ر.ک. رازی، ۱۳۷۳، ص. ۳۱۸). حتی کتاب‌های تالیف شده سال‌های اخیر، مانند «نگاهی تحلیلی به علم بیان» نیز به نقد کشیده شدند (ر.ک. شفیع‌یون، ۱۳۹۸، ص. ۱۲۹).

نکته دیگر این که به دلیل محدودیت حجم مقاله مثال‌ها و نمونه‌های تکراری و مشابه حذف شدند. بنابراین شواهد و مثال‌ها منحصر به موارد ذکر شده نیست. همچنین گاهی از یک تصویر ممکن است دو یا سه مفهوم برداشت شود، بنابراین اگر مثالی در دو جا آورده شود به این دلیل است.

نکته سوم این که در شاهد مثال‌های جهانگشا، اعداد داخل پرانتز به ترتیب از راست، شماره جلد و شماره صفحه و شماره سطر کتاب است.

۲. بحث و بررسی:

تاریخ جهانگشا مهم‌ترین و مستندترین کتابی است که درباره حمله ویرانگر مغولان به ایران تألیف شده و بسیاری از زوایای این واقعه هولناک را می‌توان در خلال نثر آراسته و زیبایی این کتاب مشاهده کرد. این کتاب از آثار برجسته نثر فنی است و بر بسیاری از آنها از هر لحاظ برتری دارد. نثر فنی در یک کلام نثری است که می‌خواهد تشبیه به شعر کند و بدین لحاظ هم از نظر زبان و هم از نظر فکر و هم از نظر مختصات ادبی دیگر نمی‌توان آن را دقیقاً نثر دانست که هدف آن تفهیم و تفاهم و انتقال پیام به صورت مستقیم است؛ بلکه نثری است شعروار که مخیل است و زبان تصویری دارد و سرشار از صنایع ادبی است (شمیسا، ۱۳۷۶، ص. ۷۶).

جویینی در تاریخ جهانگشای خود فقط روایتگر تاریخ نبود؛ بلکه با قدرت فوق‌العاده قلم خود عموماً حوادث و صحنه‌ها را همچون نگارگری توانا برای خواننده به تصویر کشیده است و در این راه از انواع فنون ادبی و امکانات زبانی در کلام خود بهره برده است؛ مثلاً در دو نمونه زیر، چندین تشبیه پی‌درپی همراه صناعات دیگری چون استعاره و تلمیح و تناسب و تضاد و ... مشاهده می‌شود:

هرگاه بحار فتن در موج آید و بادهای مخالف محن حرکت کند، کشتی امان به ساحل نجات نتواند رسید و طوفان بلا عام شود (۱۷/۱۰۴/۲)؛ تا کابوس عجز و ضعف مستولی و طاووس ملک شکار جفدان بلا گشت و شاه کاووس در دست سپاه دیوان محنت و غم مقید ماند (۴/۱۰۵/۲).

روایات و توصیفات جویینی اغلب به نثر فنی و سبک ادبی است. «سبک ادبی نگرشی احساسی و مخیل به جهان است که با زبانی تصویری (مخیل) و عاطفی (احساسی) همراه است» (شمیسا، ۱۳۸۶، ص. ۲۳). بنابراین یکی از ویژگی‌های برجسته

زبان ادبی تصویرپردازی است. «تصویرپردازی یعنی کاربرد صناعات بلاغی برای بیان تصوّر و اندیشه انتزاعی در زبانی زنده، خلاقه و ابداعی» (فتوحی رودمعجنی، ۱۳۹۳، ص. ۴۶). مهم‌ترین صناعاتی که در تصویرپردازی دخیلند؛ عبارتند از تشبیه، استعاره و کنایه. در تاریخ جهانگشا نیز با بررسی‌های به عمل آمده، حدود ۱۰۰۰ تشبیه و ۷۵۰ کنایه و ۵۰۰ مورد استعاره وجود دارد (عسکری، ۱۳۸۷، ص. ۱۳۰). البته تصویر با مفهومی اندک وسیع‌تر شامل هرگونه بیان برجسته و مشخص هم می‌تواند باشد؛ اگرچه از انواع مجاز و تشبیه در آن نشانی نباشد، گاهی آوردن صفت جنبه تخیلی دارد و تصویر را به وجود می‌آورد (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰، ص. ۱۶).

تصاویر تاریخ جهانگشا از خشونت و کشتار مغولان را از نظر موضوعی می‌توان به سه دسته عمده تقسیم کرد:

۱- توصیفات و تصاویر مربوط به ویژگی‌های لشکریان مغول؛

۲- توصیفات و تصاویر مربوط به حملات مغولان؛

۳- توصیفات و تصاویر ویرانی‌ها و قتل‌ها و غارت‌ها.

۲-۱- توصیفات و تصاویر مربوط به لشکریان مغول

۲-۱-۱- توصیف و تصویرنعره‌های مغولان

جوینی نعره‌های وحشتناک لشکریان مغول را که از عوامل ایجاد رعب و هراس در دل دشمن بود به غرّش شیران و صدای رعد و برق تشبیه کرده است که مناسب‌ترین تصویر است:

زئیر شیران در خفتان (۸/۶۴/۱). مانند رعد و برق در نعره آمدند (۱۸/۹۹/۱)؛ روز دیگر را چون از پستان شب، شیر تباشیر صبح بدوشید و جهان از نعره مردان رعد آواز و شیران بجوشید ... (۱۰/۱۲۵/۲).

۲-۱-۲- توصیف و تصویر چالاک‌ی و سرعت عمل لشکریان مغول:

یکی از عوامل مهم پیروزی مغولان سرعت عمل آنها بود به گونه‌ای که ایران به آن عظمت و قدرت زمان خوارزمشاهیان را در کمتر از دو سال به تصرف خویش درآوردند. حملات مغولان چنان سریع و درهم‌شکننده و همراه با شدت عمل بود که همه را دچار رعب و وحشت می‌کرد. جوینی برای تصویر سرعت لشکریان مغول از مشبّه‌هایی چون باد، تندباد، طوفان، برق آسمان، پرنده‌باز، آب، سیل، سیلاب، باران، دود و آتش استفاده کرده است:

با لشکری چون سیل در انحدار و مانند عاصفات ریح در اختلاف رسیدند (۸/۹۹/۱)؛ چون باد بر عقب او می‌رفت (۹/۱۰۶/۱)؛ چون برق وهّاج و سیل ثجاج روی به سلطان نهاد (۱۱/۱۳۹/۲)؛ چون برق از میغ متوجه او شد (۳/۹۳/۲)؛ بر عقب او به تعجیل تمام چون آتش برفتند (۳/۱۱۷/۱)؛ چون آتش روان شد (۷/۲۲۱/۲)؛ چون سیل منحدر و قطر منهمر روز در شب می‌پیوست و شب در روز (۶/۴۷/۲)؛ برآب از بادغیس چون آتش روان شدند (۷/۲۲۱/۲)؛ از ره طالقان چون سیل در انحدار و زفانه آتش در انصعاد بر آب چون باد روان شد (۵/۱۱۸/۳)؛ [مغولان] مانند سیل که از کوه عزم وادی کند بر پی او پویان و پیرسان پیرسان دود می‌شنافتند (۸/۱۱۳/۱)؛ مانند باز در پرواز که از هوا بر زمین آید از اردو روان شد (۱۲/۲۲۹/۲).

همان‌گونه که مشاهده می‌شود جوینی برای تصویر دقیق‌تر موضوع گاهی از چند مشبّه‌به استفاده می‌کند و گاهی به دنبال تشبیه قیدی می‌آورد (تشبیه مرکب)؛ برای نمونه، مانند سیل که از کوه عزم وادی کند یا مانند باز در پرواز که از هوا بر زمین آید. البته در این موارد گاهی علاوه بر مفهوم سرعت، مفاهیم دیگری مانند غضب و هیبت و هراس و ویرانگری و ... نیز تصویر می‌شود. نکته دیگر اینکه عموم این تشبیهات دارای مفهوم کنایی هستند و هم‌زمان از تشبیه و کنایه استفاده شد.

۳-۱-۲- توصیف کثرت و انبوهی لشکر مغول

جوینی برای نشان‌دادن کثرت و انبوهی لشکریان مغول از آنها با تصاویر ریگ بیابان، قطرات باران، مار و مور، مور و ملخ، دریای موج و متلاطم، حوادث بی‌پایان زمانه و یاجوج و ماجوج در قالب تشبیه و کنایه و اغراق یاد کرده است:

از لشکر انبوه و گروه با شکوه، صحرا را دریایی دریافت در جوش و خروش و هوایی از بانگ اسبان با برگستوان و زئیر شیران در خفتان در غلبه و خروش (۷/۶۴/۱)؛ لشکرها بر عدد مور و ملخ فزون بود و فوج هر یک چون دریای در موج می‌رسیدند (۱/۸۰/۱)؛ لشکری چون حوادث زمانه بی پایان (۱۰/۹۷/۱)؛ اطراف بیابان از لمعان سلاح‌ها و تصادم خیول دریایی می‌نمود در تموّج و تلاطم (۱۲/۱۵۰/۱)؛ تولی با لشکری از کثرت فزون از ریگ بیابان برسید (۲۰/۱۲۵/۱)؛ لشکر جرّار از عساکر تتر در کثرت و شوکت چون مور و مار (۲/۱۸۳/۲)؛ با لشکری آراسته که از کثرت آن یاجوج و ماجوج در موج آن ناچیز می‌شد (۱۰/۱۱۷/۳).

برخی مورخان اسلامی تعداد لشکر مغول را بین ۵۰۰۰۰۰ تا ۸۰۰۰۰۰ نفر ثبت کرده‌اند (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۸، ص. ۲۴). منہاج‌سراج تعداد سپاهیان مغول را در این حمله هشتصد هزار تن می‌داند که با هشتصد علم حرکت می‌کردند؛ اما محققان جدید شماره این سپاهیان را از دویست هزار تن متجاوز ندانسته‌اند (صفا، ۱۳۶۸، ص. ۸). البته مغولان در جریان استخلاص شهرهای ایران از اسرا به‌ویژه جوانان اسیرشده به‌عنوان حَشَر و فدایی سپاه اصلی بهره می‌بردند و آنان را در پیشاپیش لشکر قرار می‌دادند:

چندان مرد از مغول و حشری مجتمع شده بودند که عدد آن بر ریگ بیابان و قطار باران فزون بود (۱۴/۹۲/۱). گاهی تعداد مردان حشری بسیار بیشتر از سپاه اصلی مغول بود: پنجاه هزار مرد حشری و بیست هزار مغول آنجا جمع گشت (۹/۷۱/۱).

۴-۱-۲- توصیف شومی و نیست و نابودکنندگی لشکر مغول

جوینی با ماندکردن لشکر مغول به قضای بد، اجل، فرشتگان مرگ، حوادث بد زمانه، شب سیاه، سیل و تندباد، مشابهت آنان را با شومی و نیستی و نابودگری به‌خوبی به تصویر می‌کشد:

لشکری چون قضای بد روان بفرستادند (۱۳/۹۷/۱)؛ تمامت لشکر مانند اجل گرد بر گرد آن نزول کردند (۱۱/۹۹/۱)؛ لشکری چون حوادث زمانه بی‌پایان (۱۰/۹۷/۱)؛ با لشکری چون سیل در انحدار و مانند عاصفات ریاح در اختلاف برسیدند (۸/۹۹/۱)؛ با لشکری چون شب مدلهم و دریای ملتطم برسید (۲۰/۱۲۵/۱)؛ چون مالکان و قابضان ارواح دررسیدند (۱۱/۵۲/۳).

۵-۱-۲- توصیف سهمناکی و قدرت و شجاعت مغولان

جوینی برای تصویر سهمناکی و قدرت و شکوه و شجاعت مغولان آنها را به حیوانات وحشی و درنده و موزی مانند شیر، گرگ، باز، عقاب، نهنگ، مار و همچنین به عناصر دهشتناک طبیعت مانند دریای متلاطم، تندباد، سیل در سرازیری افتاده، رعد و برق، اختران قاطع، شب سیاه، و کوه آهنین تشبیه کرده است. صورخیال‌ها نیز عموماً تشبیه و بعد استعاره و کنایه است:

مرد نهنگ آسا (۱۱/۱۵۰/۱)؛ چون بازان که در گلّه کبوتر افتد بلکه مانند شیران که بر رمه آهو تاختن آرند (۲/۱۵۳/۱)؛ چون شیری خشمناک و برق سهمناک روان شد (۱۴/۴۹/۲)؛ چون عقاب بر اعقاب روان شدند (۹/۱۸۹/۲)؛ شجاعان شجاع آسای لشکر (۱۰/۱۳۵/۳)؛ از لشکر انبوه و گروه با شکوه، صحرا را دریایی دریافت در جوش و خروش و هوایی از بانگ اسبان با برگستوان و زئیر شیران در خفتان در غلبه و خروش (۷/۶۴/۱)؛ با لشکری چون سیل در انحدار و مانند عاصفات ریاح در اختلاف برسیدند (۸/۹۹/۱)؛ مانند رعد و برق در نعره آمدند (۱۸/۹۹/۱)؛ تولی آن ضرغام مقتحم با لشکری چون شب مدلهم و دریای ملتطم، از کثرت فزون از ریگ بیابان برسید (۲۰/۱۲۵/۱)؛ چون باز که در پرواز بر سر کبوتر نشیند بر سر ایشان نشست (۱۲/۱۵۲/۲)؛ مردانی که در نقر و جدال اختران قاطع اند، آفتاب اگر به مقارنه ایشان گراید چون ماه شب روی آغاز کند و بهرام اگر در مقابله تیر آن طایفه آید چون زهره مشتری سلامت شود (۱۰/۱۱۶/۳)؛ تیراندازی که سهم خدنگ هریک قوس را وبال تیر کند و ابنای زین و رخس را بنات نعش کند (۱/۳/۱۱۸)؛ با گروهی چون کوه آهنین در رسیدند (۳/۱۲۱/۳)؛ تُرک ترک خواب و قرارگرفته و برگ از شمشیر آبدار ساخته (۸/۱۱۷/۳).

۶-۱-۲- توصیف شکست‌ناپذیری و دفع‌نشدنی لشکر مغول با توصیف و تشبیه آنها به قضا، اجل، فرشتگان مرگ، تیبار بلا و کوه آهنین:

با جنگ‌جویانی چون قضا که هیچ حيله مانع آن نتواند بود و مانند اجل که هیچ سلاحی دافع آن نشود مسارعت نمود (۱/۶۷/۳)؛ تمامت لشکر چون دایره بر مرکز محیط شدند و مانند اجل گرد بر گرد آن نزول کرد (۱/۹۹/۱)؛ موکلان حضرت چون مالکان و قابضان ارواح در رسیدند (۳/۵۲/۱۱)؛ تیبار بلا از لشکر تبار در موج بود (۱/۷۴/۲۰)؛ با گروهی چون کوه آهنین در رسیدند (۳/۱۲۱/۳).

۷-۱-۲- توصیف و تصویر بی‌رحمی و خون‌خواری لشکر مغول با تشبیه آنها به گرگان گرسنه:

مانند گرگان گرسنه در میان رمه بی‌راعی افتادند (۱/۹۸/۷)؛ چون باد به خیل خانه آمدند و اثر گرگ در رمه بنمودند (۱/۱۲۵/۱۱).

۸-۱-۲- توصیف و تصویر ویژگی ویرانگری لشکر مغول با تشبیه آنها به سیل و تندباد و آتش سوزان و برق آسمان:

جغتای و اوکتای با لشکری چون سیل در انحدار و مانند عاصفات ریاح در اختلاف بر رسیدند (۱/۹۹/۸)؛ الغ نویان را - که در فرسویت، برقی که از میان حجاب سحاب بجست بر هر کجا افتد چون خاکستر کند - نامزد کرد تا به بلاد خراسان رود (۱/۱۱۷/۱۵)؛ با لشکری آتش‌آسای نزدیک رسید (۲/۵۵/۱۶)؛ لشکری چون آتش سوزان (۲/۱۴۰/۶).

۲-۲-۲- توصیفات و تصاویر مربوط به حملات مغولان

۱-۲-۲-۲- توصیف و تصویر محاصره دشمن توسط مغولان با استفاده از مشبّه‌به‌هایی چون دایره، دستبند، کمر بند، کمان، مار حلقه زده، اجل و ...:

لشکرها چون محیط دایره ایستاده (۳/۴۵/۱)؛ تمامت لشکر چون دایره بر مرکز محیط شدند و مانند اجل گرد بر گرد آن نزول کرد (۱/۹۹/۱۱)؛ لشکر گرد بر گرد دز منطقه ساخته (۱/۹۴/۲۲)؛ لشکرها بر گرد شهر چون سوار بر ساعد خیمه در خیمه زدند (۲/۵۰/۱۴)؛ مانند مار بر مدار قلعه هفت تو بستند (۳/۱۲۳/۱۲)؛ نویان که بر دور قلاع از دور مانند کمر بر میان زنبور ایستاده بودند (۳/۱۱۷/۵).

۲-۲-۲-۲- تصویر و توصیف پرتاب سنگ و تیر و قاروره‌های نفت به سوی دشمن با مشبّه‌به‌هایی چون شراره‌های

آتش، تگرگ، برگ ریزان و لعنت ابلیس:

و از جانبین تنوره جنگ بتفسید، از بیرون منجیق‌ها راست کردند و کمان‌ها را خم دادند و سنگ و تیر پُران شد و از اندرون عرآدها و قارورات نطف روان مانند تنوری تافته که از بیرون به کوه‌ها هیمه‌های درشت مدد می‌فرستند و از جوف تنور شررها در هوا ظاهر می‌شود (۱/۸۲/۱۴-۱۷)؛ تنگ مکاوحت و مخاصمت تا نماز شام محکم برکشیدند و از گشاد منجیق و کمان، تیر و سنگ پُران شد (۱/۹۳/۶۷)؛ سنگ و تیر بر منوال تگرگ بریشان ریزان کرد (۱/۹۹/۱۹)؛ تیر دست و چرخ چون تگرگ ریزان گشت (۲/۱۷۵/۷)؛ از قلعه نیز سنگ بر مثال برگ ریزان بود (۳/۱۲۸/۹)؛ سبک سنگ و تیر تیز پر چون لعنت ابلیس کردند (۳/۱۳۵/۹).

۳-۲-۲- تصویر چگونگی یورش بردن به دشمن:

جوینی چگونگی حمله و هجوم مغولان را به صورت حمله گرگ‌های گرسنه به گله بی‌چوپان، حمله شیران به رمه آهوان و حمله بازان به جمعیت کبوتران با زیبایی و ظرافت به تصویر کشیده است:

گرگان گرسنه در میان رمه بی‌راعی افتادند (۱/۹۸/۷)؛ چون بازان که در گله کبوتر افتد؛ بلکه مانند شیران که بر رمه آهو تاختن آرند (۱/۱۵۳/۲)؛ چون عقاب بر اعقاب روان شدند (۲/۱۸۹/۹)؛ چون باز که در پرواز بر سر کبوتر نشیند بر سر ایشان نشست (۲/۱۵۲/۱۲).

باتوجه به توصیفات تاریخ جهانگشا امکانات و ادوات جنگی مغولان عبارتند بودند از: اسب، شمشیر، نیزه، تیر و کمان، چرخ، عرّاده، منجنیق و قاروره‌های نبط.

۲-۳-۲- توصیفات و تصاویر ویرانی‌ها و قتل‌ها و غارتها

جوینی اغلب با استفاده از تشبیه و استعاره و کنایه، صحنه‌های قتل و اسارت انسان‌ها و غارت و ویرانی شهرها را همچون تابلویی در پیش چشم خواننده به تصویر می‌کشد و درعین حال با هنرمندی تمام، احساس درد و تاسف خود را از آن‌همه کشتار و ویرانی در ضمن این تصاویر منتقل می‌کند:

به هر قطره‌ای از خون ایشان جیحونی روان شد و قصاص هر تار مویی صد هزاران سر بر سر هر کویی گویی گردان گشت و بدل هریک دینار هزار قنطار پرداخته شد (۱ / ۹۱ / ۱۰-۱۲).

۲-۳-۱- توصیف کشتار مغولان:

جوینی با کمک تشبیه و استعاره و کنایه، توصیفات و تصاویر دقیقی از شدت کشتار مغولان ارائه کرده است: به قهر و قسر آن (جند) را بگشادند و باب عفو مسامحت در بستند و به انتقام یک نفس، نقش وجود اکثر ایشان را از جریده احیا محو کردند (۱ / ۶۷ / ۱۸-۱۶)؛ طلایه لشکر برو افتادند و از ایشان اثر نگذاشتند و روز دیگر که صحرا از عکس خورشید طشتی نمود پر از خون دروازه بگشادند و در نفار و مکاوحت بر بستند (۱ / ۸۰ / ۷-۸)؛ خانان و قوآد و اعیان که از عزت پای بر سر فلک می‌نهادند، دستگیر مذلت گشته و در دریای فنا غرق شدند (۱ / ۸۳ / ۱-۳)؛ بفرمود تا اهالی بلخ صغیر و کبیر، قلیل و کثیر را از مرد تا زن به صحرا راندند و بر عادت مألوف بر مئین و الوف قسمت کردند تا ایشان را بر شمشیر گذرانیدند و از تر و خشک اثر نگذاشتند. تا مدت‌ها وحوش از لحوم ایشان خوش عیشی می‌راندند (۱ / ۱۰۴ / ۴-۱)؛ ارباب آن (بامیان) از باب مخاصمت و مقاومت درمی‌آمدند ... چون آن را بگشاد، یاسا داد که هر جانور که باشد از اصناف بنی آدم تا انواع بهائم تمامت را بکشند (۱ / ۱۰۵ / ۱۱-۱۳)؛ چون باد به خیل خانه آمدند و اثر گرگ در رمه بنمودند (۱ / ۱۲۵ / ۱۱)؛ مؤمنان را چون شتران ماهار زده ده ده و بیست بیست در یک رسن قطار می‌کردند و در طغار خون می‌انداخت تا زیادت از صد هزار را شهید کردند (۱ / ۱۳۱ / ۵).

۲-۳-۲- توصیف ویرانی‌ها:

جوینی شدت خرابی و ویرانی شهرها و حصارها را با تعابیری چون یکسان‌شدن با راه، چون صحراکردن، چونان کف دست‌شدن، سجده‌کنان سربر زمین نهادن، خاک‌گشتن، مثل بیابان هموارشدن و ... در قالب تشبیه و استعاره و کنایه و اغراق به تصویر کشید:

حصار و باره را با ره کوی یکسان کردند (۱ / ۶۶ / ۹)؛ حصار را صحرا کردند (۱ / ۷۷ / ۲۰)؛ تمامت باره را با ره برابر کردند (۱ / ۹۴ / ۵)؛ از تر و خشک اثر نگذاشتند ... و آتش در باغ شهر زدند و مقصور کردند تا فصیل و سور و دور و قصور را خراب کردند (۱ / ۱۰۴ / ۴-۹)؛ (تولی) اکناف چون کف دستی گردانید و گردن‌کشان را که سرافرازی می‌کردند در دست حوادث پایمال گردانید (۱ / ۱۱۹ / ۱ و ۲)؛ باره چون خاک سرافکنده شد (۲ / ۴۹ / ۲۰)؛ تمامت محلات و سرای‌ها چون سجده‌کنان سر بر زمین می‌نهادند (۲ / ۷۳ / ۱)؛ [ایوان] چون خاک به زاری تواضع پیشه گرفت (۱ / ۱۴۰ / ۱۵)؛ دیوارها و فصیل خاک گشت ... و عرصه آن حکم قاعاً صفتاً گرفت (۱ / ۸۳ / ۱۰-۱۴).

البته این ویرانی‌ها عموماً با آتش زدن شهر همراه بود: آتش در محلات انداخته و بیشتر از شهر به چند روز سوخته شد (۱ / ۸۲ / ۱۰).

۳-۲-۳- توصیف قتل و غارت مغولان و اسارت و آوارگی مردمان

جوینی در این موارد نیز با کمک تشبیه و استعاره و کنایه، صحنه‌های قتل و غارت مغولان و اسارت و آوارگی مردمان را با مهارت و ظرافت به تصویر کشیده است:

به خلاف خراسان و عراق که عارضه آن حمی مطبقة و تب لازمه است و هر شهری و دیهی را چند نوبت کُشش و غارت کردند (۷/۷۵/۱)؛ مغولان دندان انتقام تیز کرده و دهان حرص گشوده که بار دیگر دستی بز نیم و کامی برانیم و خلایق را حطب تنور بلا سازیم و اموال و اولاد ایشان را غنیمت گیریم (۶-۴/۹۰/۱)؛ تمامت فجّار و ابرار اترار را از پوشندگان خمار و متقلّسان به کلاه و دستار چون رمه گوسفند از شهر بیرون راندند و هر چه موجود بود از اقمشه و امتعه غارت کردند (۱۴/۶۵/۱)؛ از ققلیان از مردینه به بالای تازیانه زنده نگذاشتند و زنان چون سرو آزاد آن قوم برده کردند ... و ارباب بخارا سبب خرابی بنات العشوار متفرّق گشتند و به دیه‌ها رفتند و عرصه آن حکم قاعاً صفتاً گرفت (۱۴-۷/۸۳/۱).

در غارت‌ها، دینه‌ها نیز مدنظر مغولان بود: مال‌هایی که بر روی زمین است تقریر آن حاجت نیست، آنچه در جوف زمین است بگویند (۲۰/۸۱/۱)؛ از استخراج مدفونات از نفود و تجملات گفتمی اخرجت الارض ائقالها (۱/۱۲۶/۲۲).

۴-۲- واژگان پربسامد در تصویرپردازی‌های جویی از صحنه‌های خشونت و کشتار مغولان:

انتخاب واژگان مناسب در تعابیر و تصاویر هنری یک عامل مهم بلاغت و زیبایی است. برخی واژه‌ها در تاریخ جهانگشا در به تصویرکشیدن صحنه‌های خشونت و کشتار مغولان، بسامد بیشتری داشتند و تصاویر درخور توجهی از آنها ساخته شده که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۴-۲-۱- عناصر اربعه:

یکی از زمینه‌های هنرنمایی جویی عناصر اربعه است. در تاریخ جهانگشا تصویرسازی‌های زیادی از عناصر اربعه به‌ویژه برای به تصویرکشیدن خشونت و کشتار مغولان در قالب تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، تمثیل، ایهام و ایهام تناسب، تضاد، تناسب، اغراق، و ... صورت گرفته است که بیشترین آنها به‌صورت تشبیه و کنایه و تضاد است.

۴-۲-۱-۱- تشبیه:

جویی در میان عناصر اربعه بیشترین تشبیه را از آتش و سپس باد ساخته است. این تشبیهات عموماً به‌صورت اضافه تشبیهی (تشبیه بلیغ اضافی) با اضافه مشبّه به مشبّه هستند. از لحاظ عقلی و حسی نیز اغلب از نوع تشبیه عقلی به حسی می باشند. عمده‌ترین تشبیهات تاریخ جهانگشا در ارتباط با عناصر اربعه و واژه‌های مترادف آنها که برای به تصویرکشیدن خشونت و کشتار و ویرانی مغولان استفاده شده عبارتند از:

آب و مترادفات و تشبیهات آن:

این واژگان در تشبیهاتی بلیغ به‌عنوان مشبّه‌هایی برای به تصویرکشیدن مفاهیمی چون قهر و بلا و غم و محنت و هلاکت و نابودی به‌کار رفته‌اند. وجه‌شبه آنها نیز بیانگر انبوهی و زیادی و وسعت و عمق فاجعه و بلاست: آب قهر (۲/۱۰۰/۵)؛ باران غم (۲/۵۰/۸)؛ سیلاب محنت (۲/۲۷۲/۱۱)؛ غرقاب هلاکت (۱/۷۶/۲۲)؛ غرقاب ندامت (۲/۱۲۷/۱۲)؛ دریای فنا (۱/۸۳/۳)؛ دریای بلا (۲/۱۴۱/۱۳)؛ دریای هلاکت (۲/۲۰۱/۱۳)؛ بحار بوار (۱/۹۵/۹)؛ غمار بوار (۱/۱۲۳/۱۱).

خاک و مترادفات و تشبیهات آن:

این واژگان نیز در تشبیهاتی بلیغ به‌عنوان مشبّه‌هایی برای به تصویرکشیدن مفاهیمی چون فنا و فتنه و غم و بدبختی به‌کار رفته‌اند: خاک فنا (۲/۱۴۳/۷)؛ خاک غم (۲/۱۱۱/۶)؛ خاک ادبار (۲/۱۶۳/۱۴)؛ غبار فتنه (۲/۱۲۹/۴)؛ گرد فتنه (۳/۱۳/۵۱). وجه‌شبه خاک، فروگرفتن و وجه‌شبه غبار، برانگیختگی است.

باد و مترادفات و تشبیهات آن:

جویی از این واژگان در تشبیهات بلیغ به‌عنوان مشبّه‌هایی برای به تصویرکشیدن شدت و حدت مفاهیمی چون فنا و بلا و جنگ و فتنه و طغیان و نیرنگ و بدبختی استفاده کرده: باد فنا (۱/۱۲۵/۱۰)؛ باد هیجا (۱/۱۱۷/۲۱)؛ باد احتیال (۱/۱۵۲/۳)؛ باد طغیان (۱/۱۵۶/۲۳)؛ باد فتنه (۲/۷۲/۱۸)؛ باد قهر (۲/۱۰۰/۴)؛ تند باد خشم (۱/۶۱/۲۲)؛ عاصفات ادبار (۲/۷۷/۷)؛ نکباء فتنه (۱/۱۰۰/۲۱)؛ نکبای نکبت (۲/۷۷/۸)؛ طوفان بلا (۱/۱۰۳/۱۳)؛ صرصر اذیت (۲/۱۲۸/۷).

آتش و مترادفات و تشابهات آن:

این واژگان نیز در تشبیهاتی بلیغ به‌عنوان مشبّه‌به‌هایی برای به تصویر کشیدن مفاهیمی چون خشم و غضب، فتنه و آشوب، بلا، ظلم، فنا، جنگ، هلاکت و اندوه به‌کار رفته‌اند و وجه‌شبهه آنها شدت و حدت و سوزندگی و نابودکنندگی است: آتش غضب (۱ / ۶۱ / ۲۲)؛ نایره غضب (۲ / ۱۷۶ / ۱)؛ نایره باس (۲ / ۱۴۳ / ۵)؛ آتش فتنه و آشوب (۱ / ۱۴۹ / ۲۳)؛ آتش دمار (۱ / ۱۵۳ / ۱۳)؛ آتش بلا (۲ / ۱۰۳ / ۴)؛ آتش ظلم (۲ / ۲۷۸ / ۱۷)؛ آتش اندیشه (۲ / ۱۱۱ / ۷)؛ آتش جنگ (۲ / ۱۴۰ / ۹)؛ آتش غارت و نهب (۲ / ۱۵۵ / ۵)؛ آتش اضطراب (۳ / ۵۱ / ۱۳)؛ آتش فنا (۳ / ۲۷۶ / ۴)؛ تنور بلا (۱ / ۹۰ / ۶)؛ تنور دمار (۱ / ۱۲۳ / ۱۱). البته تشبیه سپاه و لشکر به آتش در برخی تشبیهات غیربلیغ جوینی هم با مفهوم کنایی وجود دارد: لشکر آتش‌آسا (۲ / ۵۵ / ۱۶)؛ لشکری چون آتش سوزان (۲ / ۱۴۰ / ۶).

گاهی از این عناصر به‌صورت تشبیه و کنایه با هم (تشبیه با معنی کنایی) برای تصویر مفهوم سرعت و شتاب استفاده می‌شود: چون آتش (۱ / ۹۹ / ۲)؛ چون باد (۱ / ۱۲۵ / ۱۱)؛ چون سیل منحدر (۲ / ۴۷ / ۶).

۲-۴-۱-۲- تضاد همراه با کنایه و تشبیه و استعاره و مجاز:

یکی از مهم‌ترین آرایه‌هایی که در بافت کلام با عناصر اربعه ایجاد می‌شود تضاد است. این تضاد گاهی با کنار هم قرارگرفتن ساده چند عنصر از عناصر اربعه پدید می‌آید که چندان ارزش هنری ندارد؛ اما نویسنده توانایی همچون جوینی اغلب آنها را همراه با آرایه‌های دیگری از قبیل تشبیه، کنایه، استعاره، مجاز و ... عرضه می‌کند و بر شور و تحرک و زیبایی و تخیل عبارات خود می‌افزاید. چند نمونه از جهانگشا:

باد شمشیر آب‌دارش، آتش در خرمن دشمن خاکسار انداخته (۱ / ۱۸ / ۲)؛ (تضاد، کنایه، استعاره، تناسب)، تند باد خشم خاک در چشم صبر و حلم انداخت و آتش غضب چندان اشتعال گرفت که آب از دیدگان براند (۱ / ۶۱ / ۲۲)، (تضاد، تشبیه، کنایه، مجاز، تشخیص، جناس، تناسب)؛ از آب بیرون آمد و چون آتش بر باد پایان روان شد (۱ / ۷۲ / ۱۰)، (تضاد، تشبیه، کنایه، مجاز)؛ تیغ آبدار و آتش فعل بود که باد او به هر کس رسید خاکسار شد (۱ / ۱۱۷ / ۱۶)، (تضاد، تشبیه، کنایه، استعاره، جناس)؛ مجانیق را آتش در زد و خاکسار بر آب چون باد روان شد (۲ / ۲۶ / ۵)، (تضاد، تشبیه، کنایه، جناس، واج آرای)؛ تند باد حمیت آتش غضب در نهاد ایشان زده، شمشیر آبدارشان مخالفان را در خاک خسته (۲ / ۷۰ / ۱۰)، (تضاد، تشبیه، کنایه، مجاز، واج آرای)؛ چون باد عرصه خاک می‌بسود و چون آتش هوای بالا می‌کرد (۲ / ۱۶۵ / ۴)، (تضاد، تشبیه، کنایه، اغراق)؛ چون سیل در انحدار و زفائنه آتش در انصعاد، بر آب چون باد روان شد و سم اسبان خاک در چشم زمان می‌کردند (۳ / ۱۱۸ / ۵-۷)، (تضاد، تشبیه، کنایه، تشخیص، تناسب، جناس، اغراق).

همان‌گونه که مشاهده می‌شود جوینی در اکثر شواهد بالا برای ایجاد تصویری دقیق‌تر هر چهار عنصر را همراه با آرایه‌های گوناگون دیگر در یک عبارت به‌کار گرفته است که نشان هنرمندی و مهارت او است. همچنین ترکیب‌سازی هنری او در استفاده از این عناصر نیز درخور توجه است: آبدار، خاکسار، بادپیما، آتش‌فعل.

۲-۴-۲- مشبّه‌های فنا و مترادفات آن

دریای فنا (۱ / ۸۳ / ۳)؛ چاه فنا (۱ / ۱۲۷ / ۴ و ۹)؛ شمشیر فنا (۱ / ۱۳۵ / ۲)؛ سنگ فنا (۲ / ۳۱ / ۱۱)؛ خاک فنا (۲ / ۱۴۳ / ۷)؛ باد فنا (۱ / ۱۲۵ / ۱۰)؛ آتش فنا (۳ / ۲۷۶ / ۴)؛ شربت فنا (۲ / ۲۲۱ / ۱۵)؛ شرک فنا (۲ / ۱۶۲ / ۱۲)؛ بحار بوار (۱ / ۹۵ / ۹)؛ غمار بوار (۱ / ۱۲۳ / ۱۱)؛ آبار بوار (۱ / ۱۳۰ / ۱۰).

این واژه‌ها برای تصویر وسعت و عمق، شدت و حدت، فروگرفتن، دردناکی و سوزندگی فنا است.

۲-۴-۳- مشبّه‌های بلا

طوفان بلا (۱ / ۱۰۳ / ۱۳)؛ دریای بلا (۲ / ۱۴۱ / ۱۳)؛ تنور بلا (۱ / ۹۰ / ۶)؛ آتش بلا (۱ / ۱۲۲ / ۱۶)؛ نایره بلا (۳ / ۵۵ / ۱۰)؛ صرصر نایرات فتن و بلا (۲ / ۱۴۳ / ۷)؛ سیاط بلا (۱ / ۲۸ / ۱۴)؛ تیار بلا (۱ / ۷۴ / ۲۰)؛ عقاب طواحین بلا (۱ / ۹۷ / ۶)؛

دام بلا (۲ / ۱۳۰ / ۲)؛ محک بلا (۵ / ۱۴۱ / ۱)؛ روزن بلا (۱۳ / ۱۱۶ / ۲)؛ بند بلا و عذاب (۲ / ۲۷۲ / ۱۱)؛ شراب بلا (۲ / ۲۷۲ / ۲۲)؛ نمد بلا (۲ / ۲۳۲ / ۱۲).

این واژه‌ها برای تصویر شدت، وسعت، دردناکی، سوزندگی، گردش و حرکت، تسلط، سختی و گرفتاری بلا است.

۴-۴-۲- مشبه‌های فتنه

غبار فتنه (۱ / ۱۷ / ۶۲)؛ گرد فتنه (۳ / ۵۱ / ۱۳)؛ نكباء فتنه (۱ / ۱۰۰ / ۲۱)؛ باد فتنه (۲ / ۷۲ / ۱۸)؛ صرصر نایرات فتن و بلا (۲ / ۱۴۳ / ۷)؛ آتش فتنه و آشوب (۱ / ۱۴۹ / ۲۳)؛ دریا‌های فتنه (۳ / ۵۵ / ۹).

این واژه‌ها برای تصویر برانگیختگی، شدت و حدت، سوزندگی و وسعت فتنه به‌کار گرفته شد.

۴-۴-۵- آفتاب و طلوع و غروب آن

جوینی تعبیر و تصاویر خیال‌انگیز کنایی و استعاری و تشبیهی فراوانی از آفتاب و طلوع و غروب آن ارائه کرده است که بخش زیادی از آن با جنگ و کشتار یا فضای آن پیوند دارد و نقش مؤثری را در انتقال ذهن به فضای جنگ و نبرد و تقویت تصاویر مربوط به آن دارد به‌ویژه که معمولاً نبردها با طلوع خورشید شروع می‌شود و با غروب آن پایان می‌یابد. تعبیراتی نظیر: سپردار مکار (۱ / ۹۳ / ۴)؛ ترک تیغ‌زن (۱ / ۹۹ / ۳)؛ سیاف فلک (۲ / ۱۳۷ / ۱۴) و عباراتی در قالب تشبیه و استعاره و کنایه برای طلوع خورشید و فرارسیدن روز مانند: شمشیر زنان صباح فرق شب را بشکافتند (۱ / ۹۰ / ۳)؛ ترک تیغ‌زن از مکنم افق سر بر زد (۱ / ۹۹ / ۳)؛ جام افق از خون شفق مالمال شد (۱ / ۱۱۳ / ۲۰)؛ سیاف فلک تیغ بر کله شب راست کرد (۲ / ۱۳۷ / ۱۴)؛ دست فلک تیغ خورشید از نیام آفاق برکشید (۲ / ۱۵۷ / ۱۰)؛ سپاه سیاه‌پوش شب، از طلایع تابشیر صباح روز پشت به هزیمت داد (۳ / ۳۳ / ۱۱)؛ یزک جمشید افلاک بر لشکر شام شبیخون کرده بود (۳ / ۴۴ / ۹)؛ چاووشان جمشید فلک تیغ‌های درفشان از نیام افق برکشیدند (۳ / ۱۲۵ / ۱۰).

یا این تصاویر غروب خورشید که تصویر غم و اندوه را تداعی می‌کند:

به وقت آن که قرص خور، خور معده زمین شد (۱ / ۷۱ / ۱۸)؛ روزگار به لباس ختائیان مشرک سیاه‌گلیم شد (۱ / ۹۴ / ۴)؛ ردای نور خور، از جور ظلمت شام منظوی می‌شد (۱ / ۱۰۰ / ۱۰)؛ روزگار لباس سوکوار پوشید (۱ / ۱۲۶ / ۱۳).

۴-۵-۲- جایگاه صور چهارگانه خیال (تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز) در تصویرپردازی‌های جوینی از خشونت و کشتار مغولان

در به‌کارگیری صورخیال برای به تصویرکشیدن خشونت و کشتار مغولان بیشترین استفاده جوینی از تشبیه است که در مثال‌ها و نمونه‌های پیشین مشاهده شد و نیازی به ذکر مجدد آنها نیست. بعد از تشبیه، جوینی بیشترین استفاده را از کنایه به‌ویژه کنایه فعلی کرده است و سپس استعاره به‌ویژه مکنیه از نوع تشخیص آن و سپس مجاز که در ادامه به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود.

۴-۵-۱- کنایه:

الف) کنایه موصوف:

باد پایان: اسبان تیز رو (۱ / ۷۲ / ۱۰)؛ سیاف فلک، خورشید (۲ / ۱۳۷ / ۱۴)؛ بقایای شمشیر، زنده‌ها (۲ / ۲۲۱ / ۳)؛ گردن‌کشان، دلبران و پهلوانان (۱ / ۳۲ / ۵)؛ ابناء‌النعش، جنازه، جسد (۲ / ۱۸۹ / ۱۵)؛ ابنای زین و رخس، سواران ماهر و شجاع (۳ / ۱۱۸ / ۱).

ب) کنایه صفت:

چون کوه آهنین، مقاوم و نیرومند (۳ / ۱۲۱ / ۳)؛ سنگ‌دلی، بی‌رحمی (۳ / ۱۲۱ / ۵)؛ مور عدد، بی‌شمار (۳ / ۱۲۳ / ۱۲)، چون برق، سریع (۲ / ۹۳ / ۳)؛ چون باد، سریع (۳ / ۱۱۸ / ۵).

ج) کنایه نسبت (فعلی):

بیشترین کنایه‌های تاریخ جهانگشا از نوع کنایه فعلی است و در این میان کنایات مربوط به جنگ و یورش و کشتار بیشترین بسامد و تنوع را دارند. نمونه‌هایی از کنایه‌ها مربوط به جنگ و یورش:

از مکان گشاده شوند، حمله کنند (۲ / ۳۵ / ۱)؛ سینه فرا کار نهادند، به جنگ پرداختند (۱ / ۵۱ / ۱)؛ کمانها را خم دادند، آماده تیراندازی شدند (۱ / ۸۲ / ۱)؛ گوی از شیران ربوده بود، در شجاعت از شیران سبقت گرفته بود، بسیار شجاع بود (۱ / ۸۲ / ۱)؛ تیری غرق کرد، باکشیدن کمان تا انتها، تیری به شدت پرتاب کرد (۱ / ۸۹ / ۹)؛ لوی محاربت رفع کرد، آماده جنگ و نبرد شد (۲ / ۷ / ۱۶)؛ بر سر ملک دینار دوانید، به ملک دینار حمله و یورش برد (۲ / ۲۰ / ۱۶)؛ پیش از آنکه اهل بغداد شام خورند، وزیر را چاشتی چاشنی بدادند، در جنگ و حمله بر اهل بغداد سبقت گرفتند (۲ / ۳۳ / ۱۲)؛ تا آن جماعت از چاشت فارغ شدند از ایشان شام انتقام خوردند، در حمله و انتقام بر آنها سبقت گرفتند (۲ / ۶۹ / ۲)؛ پیش از وصول به شام، مهمان بیگانه سحر خورد، دشمن در جنگ پیشی گرفت و شیخون و حمله ناگهانی کرد (۲ / ۱۸۸ / ۱۶)؛ پای ثبات بیفشارد، پایداری و مقاومت کند (۲ / ۳۵ / ۲)؛ روی بر تاییم و پشت نماییم، فرار کنیم (۲ / ۳۵ / ۳)؛ بر باد دهد، نیست و ناپود کند (۲ / ۸۷۷ / ۸)؛ دامن از جنگ درچیدند، دست از جنگ کشیدند (۲ / ۱۰۴ / ۳)؛ خاک در چشم روزگار کردند، گرد و غبار به آسمان رساندند (۲ / ۱۰۴ / ۶)؛ کمر بست، آماده شد (۲ / ۱۸۸ / ۱۷)؛ از شمشیر باز پس ماندند، زنده ماندند (۳ / ۹ / ۱۰)؛ روی نمی تافتند، نمی گریختند (۳ / ۱۲۷ / ۱۰)؛ دست از جنگ باز گیرد، جنگ را رها و تمام کند (۳ / ۱۲۸ / ۱۴)؛ پای از مکاوحت کشیده کند، جنگ را رها کند (۳ / ۱۲۸ / ۱۴)؛ دامن از حرب باز چیدند، به جنگ خاتمه دادند (۳ / ۱۲۹ / ۱).

– کنایه‌های مربوط به مرگ و قتل :

نکته درخور توجه در کار جوینی این است که او در اثرش، بیش از پنجاه تعبیر کنایی و عموماً با بار معنایی متفاوت از مفهوم مرگ و قتل آورده که در کمتر کتابی به این همه تعابیر گوناگون و متنوع از این موضوع می توان برخورد کرد و این خود تأیید دیگری است بر توانایی و خلأقیت جوینی در نویسندگی. برخی تعبیرات کنایی جوینی از مفهوم کشتن و قتل که گاهی با تشبیه و استعاره نیز همراه است؛ عبارتند از:

سربرداشتن (۱ / ۲۳ / ۱۴)؛ دماربرآوردن (۱ / ۲۸ / ۱۴)؛ روی حیات کسی را سیاه کردن (۱ / ۳۵ / ۲)؛ از میانه بیرون کردن (۱ / ۴۷ / ۱۵)؛ از ربقه حیات بیرون کشیدن (۱ / ۵۶ / ۹)؛ کأس فناچشانیدن و لباس بقا پوشانیدن (۱ / ۶۶ / ۱۳)؛ از جریده احیا محو کردن (۱ / ۶۷ / ۱۶)؛ شربت بدگوار [مرگ] به کسی دادن (۱ / ۶۸ / ۱۲)؛ سر نرم کردن (۱ / ۸۹ / ۱۷)؛ خلاق را حطب تنور بلاساختن (۱ / ۹۰ / ۶)؛ بر شمشیر گذرانیدن (۱ / ۱۰۴ / ۳)؛ پستان منیت در دهان حیات نهادن (۱ / ۱۰۷ / ۱۵)؛ به حشوۀ خاک تیره رساندن (۱ / ۱۱۸ / ۲)؛ اثر گرگ در رمه نمودن (۱ / ۱۲۵ / ۱۱)؛ در طغار خون انداختن (۱ / ۱۳۱ / ۶)؛ بر شمشیر عرض دادن (۱ / ۲۰۲ / ۷)؛ به دوزخ فرستادن (۲ / ۸ / ۹)؛ طعمه شمشیر کردن (۲ / ۲۰ / ۱۷)؛ روح کسی را به مرکز اصلی سپردن (۲ / ۳۱ / ۱۷)؛ کاروان عمر کسی را قطع کردن (۲ / ۶۰ / ۷)؛ انسلا از ربقه حیات (۲ / ۶۴ / ۶)؛ بی جان کردن (۲ / ۹۹ / ۱۰۰)؛ از دست برگرفتن (۲ / ۱۲۵ / ۱۳)؛ بر خاک انداختن (۲ / ۱۶۴ / ۲)؛ بر باد دادن (۲ / ۱۶۴ / ۷)؛ آن جام زهر مذاق را بر دست سی نهادن (۲ / ۲۱۰ / ۱۳)؛ بر شمشیر فنا گذرانیدن (۲ / ۲۱۷ / ۱۳)؛ بر باد فنا دادن (۲ / ۲۲۱ / ۳)؛ شربت فنا چشانیدن (۲ / ۲۲۱ / ۱۵)؛ به

زبانیه تسلیم کردن (۳ / ۶۱ / ۳)؛ از راه برداشتن (۳ / ۱۲۹ / ۱۲) و ...

برخی تعبیرات کنایی او از مردن و مرگ نیز به شرح زیر است:

باز برنخاستن (۱ / ۲۹ / ۴)؛ به جوار حق رسیدن (۱ / ۵۸ / ۱۳)؛ از دارالقضا منشور اجل به عزل کسی نافذگشتن (۱ / ۶۹ / ۱۹)؛ تجرّع کؤوس هلاکت کردن (۱ / ۹۵ / ۱۵)؛ فروشدن (۱ / ۹۱ / ۱۱)؛ از دنیا به عقبی رسیدن (۲ / ۲۲ / ۱۱)؛ آفتاب دولت و حیات کسی به زوال رسیدن (۲ / ۳۰ / ۷)؛ دفین خاک گشتن (۲ / ۳۵ / ۷)؛ از دار فنا به محل بقا کوچ کردن (۲ / ۳۹ / ۱۳ و ۴۶ / ۱۵)؛ به اجل موعود رسیدن (۲ / ۵۴ / ۱۳)؛ سرباختن (۲ / ۵۸ / ۹)؛ از میان آشنایان بیگانه شدن (۲ / ۱۱۶ / ۱۴)؛ جان به حق تسلیم کردن (۲ / ۱۱۶ / ۲۱)؛ به موضعی که مراجعت نیست روان شدن (۲ / ۲۲۵ / ۳)؛ از منزل فنا به مرحل بقا کوچ کردن (۲ / ۲۵۸ / ۴)؛ بی روح ماندن (۳ / ۱۳۲ / ۱)؛ در پای هلاکت نرم شدن (۳ / ۲۲۱ / ۵) و ...

همان‌گونه که اشاره شد هر کدام از این تعبیرات کنایی بار معنایی به‌خصوصی دارند؛ به‌عنوان مثال برخی از آنها بیانگر شدت و وسعت قتل و کشتارند؛ مانند «اثر گرگ در رمه نمودن»؛ «اثرنگذاشتن»؛ برخی تعبیرات اختیاری نبودن مرگ و دخالت تقدیر و روزگار را می‌رسانند؛ مانند «از دارالقضا منشور اجل به عزل او نافذ گشت»؛ «به اجل موعود رسید»؛ برخی تعبیرات بیانگر جان‌دادن یا کشتار سخت و دردناکند؛ مانند: «دمار بر آوردن»؛ «بر شمشیر گذرانیدن»؛ «به دو نیم زدن»؛ «در پای هلاکت نرم‌شدن»؛ نوع بیان برخی تعبیرات احترام آمیز و با هاله‌ای از معنویت همراه است؛ مانند «لباس بقا پوشاندن»؛ «به جوار حق رسیدن»؛ «جان به حق تسلیم کردن» و برخی نیز با نوعی تنفر و بی‌احترامی نسبت به مخاطب بیان شده‌اند؛ مانند «به دوزخ فرستادن»؛ «به زبانه تسلیم کردن». در برخی تعبیرات نیز صورخیال پررنگتر و به‌اصطلاح ادبی‌تر است؛ مانند «پستان منیت در دهان حیات کسی نهادن»؛ «کاروان عمر کسی را قطع کردن»؛ «آفتاب دولت و حیات کسی به زوال رسیدن» و ... از این مثال‌ها و نمونه‌ها معلوم می‌شود که جوینی در ارائه مطالب، علاوه بر مایه‌های زبانی و ادبی، به عنصر تازگی و خلاقیت نیز توجه داشته و از تکرار ساده و غیرهنری مضامین پرهیز کرده است و اگر مضمونی را چند بار تکرار نموده، هر بار لباس تازه‌ای بر اندامش پوشانده و مأموریت تازه‌ای به او داده است.

۲-۵-۲- نمونه‌هایی از استعاره:

استعاره مکنیه از نوع تشخیص:

دندان انتقام (۱/۹۰/۴)؛ دهان حرص (۱/۹۰/۵)؛ تنگ مکاوحت (۱/۹۳/۶)؛ روزگار به لباس ختائیان مشرک سیاه‌گلیم شد (۱/۹۴/۴)؛ شست قضا (۱/۱۰۵/۱۳)؛ پستان منیت (۱/۱۰۷/۱۵)؛ روزگار لباس سوگوار پوشید (۱/۱۲۶/۱۳)؛ طعمه شمشیر (۲/۲۰/۱۷)؛ گردن مقاومت (۲/۵۷/۵)؛ دست مصادمت (۲/۵۷/۵)؛ آفتاب اگر به مقارنه ایشان گراید چون ماه شب روی آغاز کند و بهرام اگر در مقابله تیر آن طایفه آید چون زهره مشتری سلامت شود (۳/۱۱۶/۱۰ تا ۱۲).

استعاره مصرّحه و تبعیه:

جهان از نعره مردانِ رعد آواز و شیران بجوشید (۳/۱۲۵/۱۰)؛ بجوشید، به لرزه و تلاطم درآمد.

تهکمیّه:

او نیز بر سر جراحت‌ها مرهمی نهاد و هرکس را که یافتند از ربنه حیات برکشیدند و شربت فنا چشانیدند (۱/۱۲۸/۸ و ۹).

۳-۵-۲- نمونه‌هایی از مجاز:

به هر قطره‌ای از خون ایشان جیحون روان شد (۱/۶۱/۱۱)، جیحون، مجازاً رود بزرگ (به علاقه خاص و عام)؛

* کار تنگ شد (۱/۷۱/۱۷) تنگ، مجازاً سخت و دشوار (به علاقه سببیه)؛

* کأس حرب را کاسه چرب دانند (۱/۷۶/۸ و ۹) کاسه، مجازاً غذا (به علاقه ظرف و مظروف)؛

* تجرع کؤوس هلاکت (۱/۹۵/۱۵) کؤوس، پیاله‌ها مجازاً شراب (به علاقه ظرف و مظروف)؛

* آب صفایح کتاب ببرد (۱/۱۵۹/۱۵) آب، مجازاً آبرو، اعتبار (به علاقه سببیه)؛

* کوه پای وطأت آن ندارد (۲/۴۶/۶) پا، مجازاً توان و قدرت، پایداری (به علاقه آلّیت).

۳. نتیجه

تاریخ جهانگشای جوینی مهم‌ترین و معتبرترین اثری است که حملات ویرانگر مغولان به ایران را به تصویر کشیده است. این اثر که بخش مهمی از آن به نثر فنی نگارش یافته است، جولانگاه انواع و اقسام آرایه‌های ادبی و تصویرپردازی‌های هنرمندانه است. از مطالعه تاریخ جهانگشا این احساس به خواننده دست می‌دهد که جوینی علاوه بر برخورداری از مایه‌های فراوانی از آگاهی‌های علمی، ادبی، دینی و ... بر ابعاد و زوایای گوناگون زبان و امکانات فراوان آن تسلط کامل دارد و کلام همچون مومی در دست اوست که به‌هرصورت بخواهد آن را شکل می‌دهد و یا لباس‌های رنگارنگ و زیبا و متنوعی بر اندام

آن می‌پوشاند. علاوه بر این وی دارای روح و ذهنی حساس و دقیق است که به‌خوبی احساسات و تأثرات عمیق درونی و روحی خود را در برخورد با حوادث و ماجراها با کمک تعابیر و تصاویر زیبا و اثرگذار ادبی منتقل و منعکس می‌کند.

جوینی با استفاده از تشبیهات مناسب و زیبا و تعابیر کنایی گوناگون، همچنین انتخاب واژگان مناسب، توانست توصیفات و تصاویر دقیقی از صفات و ویژگی‌های لشکریان مغول، حملات برق آسا و ویرانگر آنها و توصیفات و تصاویر دردناک و درعین‌حال روشن و دقیقی از ویرانی‌ها و قتل‌ها و غارت‌های مغولان را ارائه کند. علاوه بر استفاده بجا و مناسب از آرایه‌های مختلفی چون تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، تضادها و تناسب‌ها، ایهام‌ها و ...، استفاده از آرایه‌های لفظی بدیعی مانند انواع سجع و جناس و ایجاد موسیقی کلام و همچنین استفاده از واژگان و تعابیر و توصیفات دقیق و مناسب و بیان برجسته برای ایجاد تصاویر و همچنین افزودن صفات مناسب به واژگان مشبّه‌شده‌های بلاغی دیگر جوینی است که تصاویر لشکریان خون‌خوار مغول و حملات ویرانگر آنها را همراه با قتل‌ها و غارت‌ها و جنایت‌هایشان به زیبایی و ظرافت همچون تابلویی در برابر خواننده به تصویر کشیده است.

تنوع و ابتکار و دوری از تکرار و ابتذال در صورخیال جهانگشا به‌صورت ابداع مضامین و تعبیرات و ترکیبات متنوع به‌روشنی دیده می‌شود. همچنین با توجه به بسامد صورخیال در تاریخ جهانگشا که به‌ترتیب عبارتند از تشبیه، کنایه، استعاره و مجاز هماهنگی تصاویر و صورخیال با محتوا و موضوع اثر به‌خوبی رعایت شده است. از آنجایی که اضافه‌های تشبیهی و استعاری در تاریخ جهانگشا بسیار زیاد است، تصاویر او بیشتر فشرده و موجز است نه گسترده و تفصیلی. تصویرهای تاریخ جهانگشا اغلب زنده و پویاست و این نکته به‌خصوص از حجم بالای استعاره تشخیص و کنایات فعلی در جهانگشا اثبات‌شدنی است. فرهنگ اسلامی و دید مذهبی در تصویرهای جوینی محسوس است. جوینی از عناصر اسلامی و عربی و قرآنی بیشتر از عناصر قدیم ایرانی استفاده کرده است. تصاویر جوینی در زمینه طبیعت و استفاده از عناصری همچون آفتاب، ستارگان، رعد و برق، عناصر اربعه، سیل، باد، باران، طوفان، دریا و ... نیز فراوان و درخور توجه است. همچنین حیواناتی چون شیر، گرگ، مار، باز، عقاب و نهنگ و حتی عناصر ماورای طبیعت مانند اجل، قضای بد، فرشتگان مرگ و ... نیز در تصویرسازی‌ها نقش برجسته‌ای داشتند.

اگر چه عموم آرایه‌های بدیعی تاریخ جهانگشا بیشتر جنبه تزئین دارند؛ اما صورخیال او این‌گونه نیستند و عموماً وسیله‌ای است برای القاء معانی ذهنی و نمایش صحنه‌ها و حالات و حوادث گوناگون. از آنجایی که نثر جوینی یکدست نیست استفاده او از صورخیال و آرایه‌های ادبی نیز یکدست نیست و در برخی جاها به‌ویژه مقدمه مطالب، متن کاملاً ادبی و فنی است و به‌وفور از صناعات ادبی و صورخیال استفاده شده است.

منابع

- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۸). *تاریخ مفصل ایران از استیلای مغول تا اعلان مشروطیت* (چاپ نهم). امیرکبیر.
- پودات، پوران، صادقی گیوی، مریم، شیبانی‌ا قدم، اشرف (۱۴۰۱). کارکرد صورخیال در تثبیت اقتدار سیاسی و دینی دولت‌ها در جهانگشای جوینی. *زبان و ادبیات فارسی*، ۳۰(۹۳)، ۵۹-۸۵. <http://dx.doi.org/10.52547/jppl.30.93.59>
- جوینی، عطاملک (۱۳۷۰). *تاریخ جهانگشای جوینی* (محمد قزوینی، مصحح؛ چاپ چهارم). ارغوان.
- چهری، طاهره، سالمیان، غلامرضا، و بهرامی، روح‌الله (۱۳۹۹). تبیین گفتمان متناقض جوینی مبتنی بر رد و قبول مغول در جلد اول تاریخ جهانگشا. *جستارهای تاریخی*، ۱۱(۱)، ۴۰-۱. <https://doi.org/10.30465/hcs.2020.5821>
- خاتمی، احمد، عرب‌اف، آرزو (۱۳۸۹). مغول ستیزی عطاملک جوینی در تاریخ جهانگشا. *تاریخ ایران*، ۳(۳)، ۲۷-۴۸. https://irhj.sbu.ac.ir/article_94614.html
- رازی، شمس‌قیس (۱۳۷۳). *المعجم فی معاییر اشعار العجم* (سیروس شمیسا، مصحح؛ چاپ اول). فردوس.
- رخشنده‌مند، علی‌سینا (۱۳۹۰). نقد استعاره تمثیلیه در کتب بلاغی. *فنون ادبی*، ۳(۲)، ۱۱۷-۱۳۸. https://liar.ui.ac.ir/article_19659.html

- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۰). صورخیال در شعر فارسی (چاپ چهارم). آگاه.
- شفیعیون، سعید (۱۳۹۸). نقد و تحلیل نگاهی تحلیلی به علم بیان. پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، ۱۹ (۳)، ۱۵۱-۱۲۹. <https://doi.org/10.30465/crtls.2019.3993>
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۶). سبک شناسی نثر (چاپ اول). میترا
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۶). بیان (چاپ سوم). میترا
- صفا، ذبیح الله (۱۳۶۸). تاریخ ادبیات در ایران (ج. ۲؛ چاپ ششم). فردوس.
- طهماسبی، فریدون، و تلاوری، پگاه (۱۳۹۱). بررسی و تحلیل تشبیهات و استعارات تاریخ جهانگشای جوینی. فنون ادبی، ۲ (۲)، ۷۲-۵۵. https://liar.ui.ac.ir/article_19656.html
- عسکری، علی (۱۳۸۷). صورخیال در تاریخ جهانگشای جوینی [طرح پژوهشی منتشر نشده]، دانشگاه پیام نور استان مازندران.
- فتوحی رودمجنی، محمود (۱۳۹۳). بلاغت تصویر (چاپ سوم). سخن.
- کاردگر، یحیی (۱۳۹۹). بازخوانی و بازنگری استعاره در کتابهای بلاغی فارسی. فنون ادبی، ۱۲ (۱)، ۱۳۴-۱۵۰.

<https://doi.org/10.22108/liar.2020.121974.1818>

References

- Askari, A. (2008). *Imagination images in the history of Jahangosha Jovini* [Unpublished Research Project], Payam Noor University of Mazandaran Province. [In Persian].
- Chehri, T., Salemian, G., & Bahrami, R. (2019). Explaining the contradictory discourse of Joveini based on rejecting and accepting the Mongols in the first volume of Tarikh Jahangosha. *Historical Essays*, 11(1), 1-29. <https://doi.org/10.30465/hcs.2020.5821> [In Persian].
- Fotuhi Roudmajni, M. (2013). *Image rhetoric*. Sokhan. [In Persian].
- Iqbal Ashtiani, A. (2009). *A detailed history of Iran from the Mongol conquest to the declaration of constitutionalism*. Amir Kabir. [In Persian].
- Joveyni, A. (1991). *History of Jahangosha Joveyni* (Corrected by M. Qazvini). Arqavan. [In Persian].
- Kardgar, Y. (2019). Rereading and revising metaphor in Persian rhetorical books. *Literary Arts*, 12(1), 134-150. <https://doi.org/10.22108/liar.2020.121974.1818> [In Persian].
- Khatami, A., & Arab, A. (2010). Anti-Mongolism of Attamalek Jovini in the history of Jahangosha. *History of Iran*, 3(3), 27-48. https://irhj.sbu.ac.ir/article_94614.html [In Persian].
- Podat, P., sadeghi givi, M., & sheybani aghdam. A. (2023). Surkhayal's function in establishing the political and religious authority of the governments in Jahangosha Joveyni. *Persian Language and Literature*, 30(93), 59-85. <http://dx.doi.org/10.52547/jpll.30.93.59> [In Persian].
- Rakhshande Mand, A. (2011). Criticism of allegory metaphor in rhetorical books. *Literary Arts*, 3(2), 117-138. https://liar.ui.ac.ir/article_19659.html [In Persian].
- Razi Shamse, Q. (1994). *Al-mojam fi maaire ashare ajam* (Corrected by C. Shamisa). Ferdous. [In Persian].
- Safa, Z. (1989). *History of literature in Iran* (Vol. 2). Ferdows. [In Persian].
- Shafie Kadkani, M. (1991). *Sovarkhayal in Persian poetry*. Agah. [In Persian].
- Shafieyoun, S. (2018). Criticism and analysis of an analytical look at the science of expression. *Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences*, 19(3), 129-151. <https://doi.org/10.30465/crtls.2019.3993> [In Persian].
- Shamisa, S. (1997). *Prose stylistics*. Mitra. [In Persian].
- Shamisa, S. (2007). *Expression*. Mitra. [In Persian].
- Tahmasbi, F., & Telavari, P. (2011). Study and analysis of similes and metaphors of Jahangosha Joveyni's history. *Literary Arts*, 3(2), 55-72. https://liar.ui.ac.ir/article_19656.html [In Persian].